

مسئله یاب را تشویق کنیم!

شرایط فعلی از این حیث دچار آسیب‌هایی جدی است که مسئولان آموزش و پرورش به‌ویژه مدیران اجرایی و سرپرستان از آن رنج می‌برند.

یکی از نکات مهمی که همه مدیران، ناظران و مجریان طرح تحول بنیادین باید بر آن تمرکز کنند، مسئله‌شناسی و بیان مسائل، موانع و چالش‌های پیش روی تحول در سطح نظام آموزشی و پیرامون آن است. به‌طور مثال، مسئله‌یابی و مسئله‌شناسی یک ارزش تلقی شود نه ضد ارزش. مسئله‌یاب را تشویق کنیم نه تنبیه. به آن‌هایی که در فرایند اجرای طرح تحول بنیادی، به اصطلاح انتقاد می‌کنند و حتی نق می‌زنند احترام بگذاریم و نظرات آن‌ها را یک فرصت دلسوزانه تلقی کنیم و از تخریب، تضعیف و طرد آنان بپرهیزیم. در هر حال یا درست می‌گویند یا اشتباه؛ اگر اشتباه است توجیه و تبیین کنیم و اگر درست است بپذیریم. در هر دو صورت احترام به منتقدان و حتی مخالفان بهتر از میدان دادن به کسانی است که منافقانه برای ما دست می‌زنند و در عمل آن‌چه می‌کنند مورد رضایت سیستم و به‌ویژه تحول نیست.

کار ملی نیازمند عزم و اراده و بسیج ملی و همگانی است. نمی‌شود کار ملی کرد ولی جمع قلبی را با خود به همراه داشت. کار ملی را باید رهبری کرد تا پیروان زیادی به ما ببیوندند. برای این منظور لازم است که انعطاف‌پذیر، خلاق، آرام، صبور، مسئله‌شناس، مسئله‌یاب، فرصت‌شناس و انتقادپذیر باشیم.

نیست! اما بررسی‌ها، مطالعات، مشاهدات و مصاحبه‌ها و اظهارات نشان می‌دهند مدارس و مناطق آموزشی کشور در شرایط کامل انجام اقدامات تغییر بنیادین نیستند. خوشبختانه این است که برای

اقدامات مربوط به اجرای طرح تحول بنیادین در آموزش و پرورش نیازمند امکانات، منابع و آماده‌سازی‌های بیشتر هستیم و امکانات لجستیکی و غیرلجستیکی اکنون به هیچ‌عنوان پاسخ‌گو نیست. تعجیل در اقدامات تغییر بنیادین بدون آمادگی سیستم در شرایط اقدامات تغییر، موجب خواهد شد که این تحول به مثابه یک «جراحی» خوب انجام نگیرد و به‌رغم گذراندن دوره نقاهت بسیار طولانی حذف شود؛ لذا سیستم نیاز به جراحی دوم پیدا خواهد کرد که در این صورت کار بسیار سخت و پیچیده‌تر و توأم با خطرپذیری بیشتر خواهد بود.

اقدامات کثیری را که به آن اشاره کردم، تنها متوجه داخل سیستم آموزشی نیست بلکه آگاهی، نگرش و باور عمیق و حمایت‌های بی‌دریغ و صادقانه و به دور از خط و ربط و جریان‌های سیاسی همه مسئولان استان‌ها، شهرستان‌ها و بخش‌ها اعم از استانداران، نمایندگان مجلس، ائمه جمعه و جماعت، فرمانداران، بخش‌داران، شهرداران، مراکز علمی و دانشگاهی و سازمان‌های مردم‌نهاد و... را می‌طلبد که بسیار مهم و حائز اهمیت است. متأسفانه

من نمی‌گویم وضع موجود آموزش و پرورش عموماً وضعی مخروب است، اما مطلوب هم نیست. ما در شرایطی اجرای پروژه کلی تحول بنیادین در آموزش و پرورش را آغاز کرده‌ایم که وضعیت موجود و یا وضعیتی که همه ما در آن قرار داریم نه تنها وضعیت مطلوب نیست بلکه در پاره‌ای از جهات مخروب هم هست. تحقق یک پروژه ملی و «آغاز یک تغییر بنیادین، نیازمند طرح‌های سازمانی و ساز و کارهای مناسب و معقول و حمایت‌های

همه‌جانبه است. نمی‌گویم تغییرات را دنبال نکنیم، ولی معتقدم تغییراتی را که ما به دنبال آن هستیم بنیادی است، نه تدریجی. لذا برای تغییرات بنیادی، علاوه بر ایجاد زمینه پذیرش تغییر در محیط خاص و عام سیستم، باید محیط خاص را به‌طور ویژه در شرایط اقدامات تغییر قرار دهیم.

به عنوان یک کارشناس و پژوهشگر، که تقریباً به‌طور مستمر با حوزه اجرا ارتباط داشتم و مسائل و تفکرات و فرصت‌ها و تهدیدهای مناطق آموزش و پرورش را به‌خوبی لمس کرده و با آن مانوس هستم، بر این باورم که مناطق و مدارس ما در کشور پهناور ایران، تقریباً پذیرای تغییرات

هستند. بدین معنی که پذیرفته‌اند ادامه وضعیت فعلی آموزش و پرورش ره به مقصد نمی‌برد و خروجی‌های سیستم نمایانگر اثربخشی بسیار پایین آموزش و پرورش بوده و زینبند نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی

